

قوای مسلح در آزمون بزرگ

(استاد صباح)



بازاران با ترانه،
می خورد بر بام خانه،
خانه ام کو؟
خانه ات کو؟
روز های کودکی کو؟
فصل خوب سادگی کو؟
یادت آید روز باران گردش یک روزدیرین،
خوب و شیرین،
پس چه شد دیگر کجا رفت؟
خاطرات خوب رنگین،
در پس آن کوی بن بست،
در دل تو آرزو هست؟
کودک خوشحال دیروز،
غرق در غمهای امروز،
یاد باران رفت از یاد، باز باران...

افغانستان برای آنکه مسئولیت های امنیتی را خود به عهده بگیرد به چهارصد هزار سرباز نیاز دارد.
افغانستان تقاضا دارد تا قوای هوایی آن به سرعت اكمال گردد، چیزی که در خصوص آن مشکلاتی
وجود دارد. بر اساس گزارشها فرماندهان اردوی کشور به شدت از سلاح های بی کیفیت شکایت دارند.
تردیدهای بسیاری در خصوص توانایی نیروهای امنیتی برای عقب راندن طالبان وجود دارد و این موضوع بر فرآیند تحویل مسئولیت های امنیتی به نیروهای داخلی تاثیر بسزایی داشته است. با توجه به آغاز فرایند خروج نیروهای خارجی، آنچه در حال حاضر در کشور به شدت مورد توجه است و باید باشد، ارتقای توانایی های اردوی ملی و نیروهای پولیس است. مقامها در کابل می گویند، کمیت و نحوه عملکرد نیروهای نظامی روز به روز در حال افزایش است. این در حالی است که کارشناسان اعلام کرده اند، مشکلات بسیاری همچون بی سوادگی، فساد مالی و آماج حملات شبه نظامیان به مقام های دولتی و نیروهای خارجی همچنان در سر راه افغانستان قرار دارد.
از سال ۲۰۰۲ تاکنون آمریکا ۲۷/۸ میلیارد دلار را در جنگ افغانستان صرف کرده است و مقام های غربی در کابل پیش بینی می کنند تا زمانی که افغانستان بتواند هزینه های دفاعی این کشور را خود عهده دار شود، ممکن است حدود یک دهه

زمان مورد نیاز باشد. اما با در نظر گرفتن این که کمک‌های خارجی روند رو به کاهشی در پیش گرفته است، نگرانی‌هایی در خصوص اینکه نیروهای داخلی چگونه هزینه‌ها و مخارج خود را تامین خواهند کرد، وجود دارد.

بر اساس یک گزارش پنتاگون که در رابطه با جنگ افغانستان منتشر شد، اردوی ملی دست‌کم ۷۰۰ مربی نظامی بین‌المللی نیاز دارد. طبق این گزارش، سه چهارم واحدهای اردوی ملی وقتی از سوی نیروها و مشاوران نیروهای ائتلافی حمایت می‌شوند، عملکرد مثرتر و موفقیت‌آمیزی دارند. اما هیچ یک از این نیروها به تنهایی قادر به انجام عملیات نیستند. در جنگ‌های قندوز دیدیم که توانایی اردوی ملی هنوز زیر سوال است.

با این حال منتقدان می‌گویند، در حالی که آمریکا و دولت، به دنبال خاتمه بخشیدن به جنگی چهارده ساله هستند، پیش‌زمینه برای طالبان جهت آسیب زدن به نیروهای نظامی مهیا می‌شود. این در حالی است که این موضوع هنوز مشخص نشده است که موضع افغانستان در قبال طالبان با هدف صلح با این گروه شبه‌نظامی دنبال می‌شود یا از بین بردن آن. وقتی دولت اعضای طالبان را برادری خواند، پولیس و نیروهای امنیتی چگونه می‌توانند به آنها فیرکنند؟ واهمه‌ها نسبت به تشدید حملات طالبان در حالی افزایش یافته است که تعداد حملاتی که توسط افرادی با لباس یونفورم پولیس و نیروهای مسلح صورت می‌گیرد، به تازگی رو به افزایش است. افزایش تهدیدهای امنیتی در منطقه، نیروهای آمریکایی را واداشت که اعلام کند، ۸۰ عامل اطلاعاتی را برای بهبود اوضاع به افغانستان اعزام خواهد کرد. روی هم رفته کاهش نیروهای نظامی مقارن با آغاز خروج نیروهای بین‌المللی با شرایط واقعی کشور هم‌خوانی ندارد.

گیلز دوروسورو، یک کارشناس درواشنگتن می‌گوید: تقویم و برنامه‌ای که برای خروج نیروها تنظیم شده با هیچ یک از واقعیت‌های این کشور مطابق نیست. خروج نیروها در حال حاضر امری به شدت زود هنگام است چراکه اردوی افغانستان آمادگی لازم را برای تحویل مسئولیت‌های امنیتی ندارد.

سخنگوی وزارت دفاع ملی در کنفرانسی گفت که در یک ماه ۴۳ سرباز اردوی ملی کشته شده بود که در ماه بعدی این رقم به ۶۳ تن افزایش یافت. وی دلیل افزایش تلفات اردوی ملی را افزایش انفجارات کنار جاده عنوان نمود. حملات اخیر در شهر کابل و ولایت کندز نیز رقم تلفات را بلند برده است. حمله انتحاری که در هوتخیل کابل رخ داده، منجر به کشته شدن پنج سرباز اردوی ملی و مجروحیت ۹ تن دیگر گردید. همچنین در حمله مشابه در کندز به همین روز ۴ سرباز اردوی ملی کشته و ۱۰ تن دیگر مجروح گردید. در جریان سال جاری میلادی، به دلیل حملات مسلحانه و انفجارها، ۸۰۶ سرباز اردوی ملی در سراسر کشور کشته شده است و در ماه گذشته، اردوی ملی توانسته که ۲۵۲ حلقه ماین، ۲۳۰ کیلوگرام امونیم نایتريت و ۱۱۵ کیلوگرام مواد منفجره را کشف و بدست آورند. در این مدت، ۱۲۱ میل کلاشینکوف، ۱۰ میل راکت انداز و ۱۶ پایه مخابره نیز بدست اردوی ملی آمده است. به گفته وی، نیروهای اردوی ملی در حال حاضر مجهز با سلاح‌های ناتو می‌باشند. تنها در قسمت سلاح‌های زره دار و دفاع هوا مشکلات وجود دارد که هنوز بحث آن مطرح نشده است.

از جانب دیگر کشور هند در نظر دارد در چهار چوب موافقتنامه ستراتژیک که در دهلی جدید میان هند و افغانستان به امضا رسید، صاحب منصبان اردوی ملی را در پوهنتون عالی نظامی ضد شورش تربیه نماید.

به گفته مقامات، این حرکت ترس پاکستان را از محاصره شدن، بیشتر می‌سازد. هند همچنان پیلوت‌های را تربیه و به اردوی ملی سلاح‌های سبک تهیه می‌دارد. اما موافقتنامه جدید، صحنه را برای مصروفیت رسمی هند به منظور تقویت نیروهای امنیتی که نیروهای خارجی افغانستان را ترک می‌نمایند، آماده می‌سازد. یک مقام امنیتی هند به شبکه خبری رویترز گفته است: «تا جایکه من می‌دانم تربیه صاحب منصبان اردوی افغانستان و مربیان آینده آنها در پوهنتون نظامی هند یک تمرین نظامی است تا آنها قادر شوند در عملیات واقعی جنگی شرکت نمایند.»

اما تحلیلگران می‌گویند: در پهلوی دویلیارد دالر کمک‌های اقتصادی هند برای ساختمان پروژه‌های زیربنایی، نقش بزرگ تر و آشکارتر هند در تقویت نیروهای امنیتی، نشانه‌ای از تشدید کوشش‌های منطقوی برای نفوذ بعد از خروج خارجیها می‌باشد. این همچنان نمایندگی از مرتب سازی دوباره ائتلاف‌های منطقوی است که با حمایت ایالات متحده امریکا از موافقتنامه ستراتژیک هند - افغان بعد از خرابی روابط آن کشور با پاکستان صورت می‌گیرد.

جوشوا فوست (Joshua Foust) یک تحلیلگر امور امنیتی در موسسه تحقیقاتی پروژه امنیتی در واشنگتن می‌گوید: «من فکر می‌کنم این یک معامله بزرگ است که حمایت سطوح بالایی را درواشنگتن و دهلی با خود دارد. آنها فکر می‌کنند که این معامله عکس العمل در پی نخواهد داشت، اما من با آنها موافق نیستم.» پاکستان که خود را بحیث بازیگر اصلی در شکل دادن حل سیاسی مشکل افغانستان می‌بیند، مکرراً علیه گرفتاری هند در افغانستان هوشدار داده و آن را بی ثبات کننده توضیح کرده است.

جنرال متقاعد هندی آشوک مهتا می‌گوید: «دروازه برای تربیه نیروهای هوایی و پولیس افغانستان در هند باز گردید. افغان‌ها می‌خواهند که اردوی ملی خود را مطابق نمونه یا مدل هند بسازند که در آن افراد از سرتا سر افغانستان از ملیت‌های مختلف و از مذاهب مختلف در آن جذب شده بتوانند. بگفته او افغانستان نمی‌خواهد اردوی اسلام‌گرا داشته

باشد. «در چهارچوب موافقتنامه ستراتیژیک هند و افغانستان، سلاح ها مانند تفنگ و راکت انداز به اردوی افغانستان داده می شود تا خلای سلاح های سبک را پر کرده باشد. اما کامران بخاری معاون امور شرق میانه و جنوب آسیا در موسسه مشورتی استخباراتی جهانی می گوید: اشتراک یا سهیم ساختن معلومات استخباراتی بزرگ ترین بخش مشارکت هند و افغانستان است. بخاری می گوید: « همکاری نظامی میان دو کشور محدود خواهد بود زیرا آنها با هم سرحد مشترک ندارند و پاکستان در وسط قرار دارد. اما معلومات استخباراتی ایجاب داشتن سرحد مشترک را ندارد و آنها می توانند در این ساحه کارهای زیاد انجام بدهند.»

تلفات مردم و نیروهای مسلح در جنگ سیزده سال اخیر



مژده ده ایام ظفر می رسد
بوی گل نرگس تر می رسد
این شب آشفته به سر می رسد
جلوه ی لبخند سحر می رسد.

خشونت بی پایان، کشتار مردم بیگناه، داشتن رکورد تولید مواد مخدر در جهان و یک میلیون معتاد از جمله دستاوردهای تهاجم ده ساله نیروهای غربی به افغانستان است. ده سال پیش (۷ اکتبر ۲۰۰۱) تقریباً یک ماه بعد از حمله به برج های تجارت جهانی در آمریکا، لشکرکشی به افغانستان به بهانه نابودی تروریسم و القاعده رقم خورد. بعد از یک ماه حکومت طالبان سقوط کرد، اما نه تنها طالبان نابود نشدند بلکه در جریان ده سال گذشته دهها هزار غیرنظامی در درگیریهای مختلف کشته شده اند و هنوز هم ناامنی در تمام نقاط کشور ادامه دارد.

طی ماههای گذشته به علت اعتراضات گسترده مردم به کشتار غیرنظامیان بوسیله نیروهای خارجی، اینان سانسور شدیدی اعمال میکنند تا از انتشار آن جلوگیری نمایند. دسترسی خبرنگاران به مناطق تحت عملیات شاترا شدیداً محدود ساخته اند، بر مطبوعات داخلی فشار می آورند که یکچنین اخبار را انعکاس ندهند، با صدور اعلامیه های که نشریه های شان آنرا فوری به خورد مردم میدهند، موفق شده اند تا حد زیاد به جنایات شان سرپوش بگذارند. درحالیکه جنایت شان درکنر، که شصت و چهار بیگناه عمدتاً زنان و کودکان قتل عام شده اند، به مطبوعات کشیده شده است، بازهم خارجیها کشته شدگان را نیروهای مسلح طالب عنوان کرد و بلندگوهای مطبوعاتی اش میکوشند این خبر را که والی کنر آنرا تایید کرده و تصاویری نیز از جانب رویترز پخش شده زیرسوال برده غیرجدی نمایان سازند.

یکی از این بلندگوها شبکه دروغ پراکنی انگلستان، بی بی سی فارسی است که تنها زمانی اخبار جنایات خارجیها را نشر میکنند که جهانی شده باشد و زیرزدن آن برایشان رسوایی به بار آورد. در تازه ترین مورد، برای اینان کشته شدن شصت و چهار انسان بیگناه خبر اصلی نیست و آنرا بصورت حاشیه ای نشر کرده اند و آنهم با لحن مورد قبول برای خارجیها. در صفحه اول سایت شان نیز خبری از آن نیست. اما در مقابل کشته شدن ولو یکتن در امریکا و اروپا با آنچنان آب و تاب پوشش داده میشود که توگویی زمین از مسیرش منحرف شده است. آیا خون افغانها به این حد بی ارزش شده که به کشته شدن شصت و چهار انسان معصوم طوری عکس العمل نشان میدهند که گویا به این تعداد پرنده کشته شده باشد؟.

پس از سخنرانی رییس جمهور در جمع نیروهای امنیتی بر عدم کمک از نیروهای ناتو در عملیتهای نظامی، رییس جمهور چندی قبل اظهار داشت که از نیروهای ناتو تعهد گرفته که دیگر مناطق را بمباران نکنند، اما در حمله اخیر ناتو

به مناطق مسکونی ده غیر نظامی افغانستان کشته شدند و ناتوتنها به یک عذر خواهی بسنده کرد. کمیسر حقوق بشر سازمان ملل در این رابطه معتقد است که قبل از پایان دادن به حملات هوایی، اوپاما باید مطمئن شود که حملات هواپیماهای بدون سرنشین این کشور در مناطق مختلف جهان در چارچوب قوانین بین المللی انجام می شود یا خیر؟ زیرا قوانین بین المللی مشخص می کنند که حملات هواپیماهای بدون سرنشین چه زمانی مجاز و چه زمانی غیرمجاز است. ناوی پیلاي کمیسر حقوق بشر سازمان ملل گفته: آمریکا مدعی است حملات هواپیماهای بدون سرنشین، حملات هدفمند برای کشتن اعضای طالبان است اما اگر در این حملات تعداد زیادی از غیرنظامیان کشته شوند می توان درستی این حملات را زیر سوال برد. بنابراین بدون بررسی دقیق این حملات نمی توان آنها را قانونی یا غیرقانونی توصیف کرد. در پاسخ به پیلاي باید گفت: اگر شما که کمیسر حقوق بشر سازمان ملل هستید هنوز در رابطه با تعداد تلفات غیر نظامیان در برابر کشته شدگان طالبان در حملات هوایی نیروهای ناتو تحقیق نکرده اید، خوب است بدانید آمارها نشان می دهد اگر در این حملات یک شبه نظامی کشته می شود درقبالش چندین غیر نظامی جان خود را از دست می دهند.

سال ۲۰۰۷: ۱۵۲۳ غیر نظامی

سال ۲۰۰۸: ۲۱۱۸ غیر نظامی

سال ۲۰۰۹: ۲۴۱۲ غیر نظامی

سال ۲۰۱۰: ۲۷۹۰ غیر نظامی

سال ۲۰۱۱: ۳۰۲۱ غیر نظامی

تا ژوئن ۲۰۱۲: ۱۱۴۵ غیر نظامی

تازه این در حالی است که این آمار، تنها مربوط به غیرنظامیان کشته شده توسط خارجی ها در عملیات هایی می شود و کشته شدگان در عملیتهای زمینی و ... جای خود را دارد.

بیش از سیزده هزار غیر نظامی توسط هواپیماهای ناتو کشته شدند. اما آیا واقعا این تعداد طالب هم در این حملات از بین رفته اند؟ مطمئنا جواب منفی است. اگر غیر از این بود اکنون کمیسر سازمان ملل نمی گفت که باید در این رابطه تحقیق شود تا بدانیم این حملات مجاز است یا غیر مجاز. واقعا جای تاسف دارد که هزارها تن از هموطنان ما در عین بی خبری، توسط هواپیماهای نظامی ناتو بمباران شوند، جان خود را از دست بدهند یا معیوب گردند، تازه آقایان به این فکر بیفتند که این کار قانونی است یا غیر قانونی. بعد اگر دلشان شد تصمیم به خاتمه این حملات بگیرند.

گویی جان مردم افغانستان برای این خارجی ها از بسیاری چیزها، ناچیزتر است! ظلم است که در خانه خود نشسته باشی ناگهان برسرت بمب بریزند، بدون اینکه گناهی کرده و یا حتی متهم به خلافی باشی. تنها به این جرم که شاید یک طالب دست پرورده آمریکا و پاکستان در حوالی منطقه مسکونی شما پرسه زده باشد.

بر اساس گفته سخنگوی وزارت دفاع ملی، ۸۰ درصد عملیتهای ۲۰۱۲ توسط نیروهای اردوی ملی مدیریت و انجام شده و در همین سال، نزدیک به ۵۰ هزار سرباز خارجی را ترک کرده اند. فارغ از ادعاها و بازیهای سیاسی و جنگ روانی و رسانه ای مقامات ناتو و ایالات متحده، آمارها حاوی ناگفته ها و نیازهایی است که میتوان از روایت های آماری کشته های نیروهای داخلی و خارجی به دست آورد. با آنکه آمار مرتب تلفات سالیانه نیروهای اردوی ملی، در دست نیست اما می توان با معیارهایی روند آماری کشته ها را دریافت و به وضعیت کلی تری از بهبود یا وخامت اوضاع امنیتی دست یافت.

بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی وزارت دفاع ملی، در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به ترتیب ۵۲۶ و ۸۰۰ تن و در ۲۰۱۲ بیش از ۱۰۰۰ تن از نیروهای اردوی ملی در مبارزه با دهشت افکنی جان خود را از دست داده اند. این آمارها به موازات اخذ مسئولیت های امنیتی بیشتر، سیر صعودی به خود گرفته و از این حیث، میان به عهده گرفتن مسئولیت های بیشتر امنیتی و افزایش تلفات نظامی، رابطه منطقی برقرار است.

در سوی دیگر، تلفات نیروهای ناتو که بیشتر آنها متعلق به ایالات متحده آمریکا است از ۲۰۰۱ تا پایان ۲۰۱۲ به ترتیب ۱۲، ۷۰، ۵۸، ۶۰، ۱۳۱، ۱۹۱، ۲۳۲، ۲۹۵، ۵۲۱، ۷۱۱، ۵۶۶ و ۳۲۶ تن بوده است. این آمارها نشان میدهد که تا سال ۲۰۱۰ تلفات نظامیان خارجی پیوسته روند صعودی داشته و از ۱۲ تن در ۲۰۰۱ به ۷۰۰ تن در ۲۰۱۰ که خونبارترین سال نیروهای ناتو به خصوص ایالات متحده نام گرفته است. اما پس از ۲۰۱۰ که همزمان با انتقال بیشتر مسئولیت های امنیتی به نیروهای ملی است، میزان تلفات سربازان خارجی، کاهش چشم گیر را نشان میدهد، طوریکه در ۲۰۱۱، کاهش ۲۰۰ نفری و در ۲۰۱۲ در مقایسه با سال ۲۰۱۰ تلفات به نصف کاهش یافته است. بدون شک، آمارها حکایت از آن دارد که درکل آمار کشته ها، سیر صعودی داشته و کاهش تلفات نیروی خارجی همزمان با تحویل هشتاد درصدی مسئولیت های امنیتی، در تلفات اردوی ملی باز تاب یافته و آمار کشته ها همچنان روند صعودی خویش را حفظ کرده است.

از سوی دیگر، میان افزایش تلفات و دامنه عملیات ها با افزایش دهشت افکنی و کانون های نا امنی، ارتباط مستقیم و جود دارد و حاکی از این است که برخلاف ادعای مقامات امریکایی و غربی، مشکل تروریسم در افغانستان همچنان پا برجاست. ایالات متحده و ناتو که با ادعای مبارزه با تروریسم، پا به افغانستان گذاشته بودند، اینک بدون اینکه کار عمده ای در مبارزه با تروریسم صورت داده باشند، بی دستاورد عمده، باز می گردند اما امریکامی خواهد، در چهارچوب دکترین امنیتی قرن بیست و یک خود، پایگاههای دائمی و حضور نظامی در این خاک را کمایی کرده باشد.

بادید گفت؛ درحالی بخش اعظم مسنولیت های امنیتی و پس از ۲۰۱۴ تمام آن به نیروهای مسلح کشور واگذار می گردد که بر اساس اظهارات سخنگوی وزارت دفاع ملی درکنفرانس ؛ اردوی ملی فاقد تجهیزات و امکانات دفاعی لازم بوده و با چهارچالش عمده به شمول عدم دسترسی به قوای هوایی، سلاح های سنگین، آموزش و تجهیزات انجنیری و همچنین ضعف استخباراتی مواجه است. ماین های کنارجاده ای را بیشترین علت تلفات نیروهای اردوی ملی میداند و تصریح می کند که این نیروها هنوز قابلیت خنثا سازی ماین ها را پیدا نکرده اند و بخش انجنیری اردوی ملی ضعیف تر از آن است که بتواند ماین های کنارجاده را کشف و خنثا کند.

براین اساس، مدعیان مبارزه با تروریسم مسنولیت های کامل امنیتی را به اردوی ملی واگذار می کنند که لانه های دهشت افکنی و مراکز تولید و تربیه تروریسم، دست نخورده باقی است. وجود مین های کنارجاده ای و عملیات های پیچیده انتحاری در جای جای کشور و گسترش عملیات های اردوی ملی، گواه عینی رد مدعیاتی مبنی بر شکست تروریسم در کشور است. امنیت نسبی موجود، محصول حضور آنها نبوده بلکه محصول فداکاری نیروهای مسلح فقیر و فاقد تجهیزات و تکنولوژی حد اقلی لازم برای دفاع است.

وقتی که تمام زحمات مبارزه با تروریسم برعهده سربازان ماست و هر روز درجاده و جبهه، اردوی ملی کشته میدهند و در غربت می جنگند و تمام مسنولیت های امنیتی را به عهده می گیرند، پایگاههای دائمی را جز باج ، نمی توان تفسیر کرد. پرسش این است که اگر صدقاتی درکاربود، با ادعای هزینه های ده ها میلیاردی جنگ با تروریسم ، چرا اردوی افغانستان پس از یازده سال فاقد تجهیزات نظامی من جمله خنثی سازی مین است، درحالی که نیروهای خارجی به وفوردر اختیار دارند اما در دسترس ما قرارنداده اند؟ و چه علتی باعث گردیده که مسنولین کشور نتوانند در جهت رفع نیازهای نظامی خود، اقداماتی را صورت دهند؟ .

باید اعتراف نمود که اگر سیاست وابسته سازی امنیت مطرح نبود، باید طی این سالها، امکانات حد اقلی لازم در اختیار اردوی ما قرار می گرفت اما نگرفت و امروز تروریست ها در تسلیحات به جز نفر برهای نظامی، با ما برابری می کنند و این مشکل بزرگی است که تاکنون با آن مواجه بوده ایم. این مساله گویای واقعیت تلخ دیگری است و آن اینکه میان دست خالی نگهداشتن ها با درخواست پایگاهها ارتباط تنگاتنگ وجود دارد و این روند محتمل الاستمرار است. لذا دولت مردان ما بایستی چاره ای اساسی بجویند تا تداوم دومینوی وابستگی، استقلال سیاسی و منافع ملی ما را قربانی نسازد.

ادامه دارد...